

علی قانمی

شکم خود را سیر کند ، برای خودخانه و پوشاک و بهداشت و مسکن تهیه نماید . (ماتریالیسم) .
هدف معنوی این است که بدن را چیزی بی ارزش بدانیم و تنها بکوشیم روح و روان او را بیروانیم تا به درجه کمال و سعادت مندی برسد (اسپریتسم)
در اسلام هدف نه تنها این است و نه تنها آن

طرح

تربیت از دیدگاه اسلامی

موردنظر است و هم معنی . هم رشد جسمانی مطرح است و هم رشد عقلانی . نه ترک دنیا برای آخرت است و نه ترک آخرت برای دنیا ، ماده و معنی ، دنیا و آخرت به موازات هم موردنظرند .
قرآن می فرماید : ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه . یا امام علی فرمود :
اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا و اعمل لاخرتک کانک تموت غدا .

۲- هدف بعید الوصول باشد یا قریب الوصول در اینجا نظرها مختلف است . عده ای در تربیت هدف بعید الوصول را می پذیرند ، یعنی تلاش برای رسیدن به نقطه ای که دور از دسترس است تا انسان دامنه وسیعی را برای اوج گیری در اختیار داشته باشد و هر چه بخواهد پرواز کند زمینه و فضا برای او موجود باشد . آنها که تنها هدف معنوی را تعقیب می کنند به دنبال

کلمه دوم در تعریف تربیت "تغییرات" بود . نخست باید از معنای آن سخن بگوئیم . از بین معانی متعدد دو معنی بیشتر مورد توجه است :
۱- دستکاری یا ایجاد دگرگونیهای سطحی .
۲- ایجاد دگرگونی بنیادی یا اساسی که در تربیت اسلامی این جنبه بیشتر مورد نظر است .
از نظر اسلام تربیت نوعی آفرینندگی و خلق مجدد است و این امری نیست که با دستکاری سر و صورت گیرد .

نکته دیگر هدف تغییر است . هدف عبارت است از نقطه ای که ما قصد وصول به آن را داریم و یا می خواهیم بدان برسیم .
در باره ابعاد هدف باید به این جنبه ها توجه کرد :

۱- هدف مادی باشد یا معنوی؟ هدف مادی این است که فرد را آنچنان بیروانیم که بتواند

چنین اهدافی هستند .

این گونه انتخاب هدف مورد قبول واقع نیست از آن بابت که آدمی در راه رسیدن به آن ممکن است دچار یأس شود و حتی از ادامه راه سر باز زند . مثلاً " اگر به ما بگویند که مسابقه‌ای است ، در آن آدمی باید از تهران تا اصفهان یک نفس بدود . چون احتمال مرگ و خستگی در آن بسیار است از شرکت در مسابقه خودداری می‌کنیم .

طرز فکر دوم این است که هدف قریب‌الوصول باشد ، یعنی هدفی را برگزینیم که خیلی زود بدان دسترسی پیدا کنیم .

مثل رسیدن به شکم ، به جنس ، به اقتصاد ولی انتخاب اینگونه هدف این زیان را دارد که آدمی پس از وصول به آن دیگر غرض و مقصدی ندارد و زندگی پس از آن برایش معنی نخواهد داشت .

در تربیت اسلامی هدف به گونه‌ای انتخاب می‌شود که از یک دید قریب‌الوصول است و از دید دیگر بعیدالوصول .

بعیدالوصول است از آن بابت که هدف الله است یعنی بی‌نهایت . قریب‌الوصول است از آن بابت که برای رسیدن به هدف مراحل و پله‌هایی معین شده‌است .

داستان مثل این است که هدف رسیدن به اصفهان است . (بعیدالوصول) اما در این مسیر یک نفس دویدن نیست ، بلکه هر چند کیلومتری تنفس ، ارزیابی راه ، تجدید قوا و دویدن مجدد است .

در اسلام هدف دربی‌نهایت واللهاست . انا لله وانا الیه راجعون ، بازگشت به سوی خداست . و ان‌الی‌ربک المنتهی . آخر و پایان سیررب است .

وان‌الی‌ربک الرجعی ، آخر ایستگاه خداست . پس هر چه بخواهیم اوج گیریم زمینه فراهم است آدمی باید تلاش کند تا بدان برسد یا ایها الانسان انک کادح‌الی ربک کدحاً فملاقیه . اما رسیدن به الله مراحل دارد سیرو سلوکی دارد و مرحله به مرحله‌است . قدم اول پاکسازی درون است (تخلیه) قدم دوم آراستن یا سازندگی درون است (تحلیه) و بالاخره همانند اصحاب راستین ، پاکان ، صدیقان ، شهیدان و خالصان باید گام برداشت . چون سلمان شد ، چون ابوذر شد ، همانند زینب وفاطمه شد .

ذکر این نکته ضروری است که مهم رسیدن به آخرین مرحله نیست بلکه در مسیر هدف بودن است ، درصراط مستقیم‌ی باید بود که به هدف



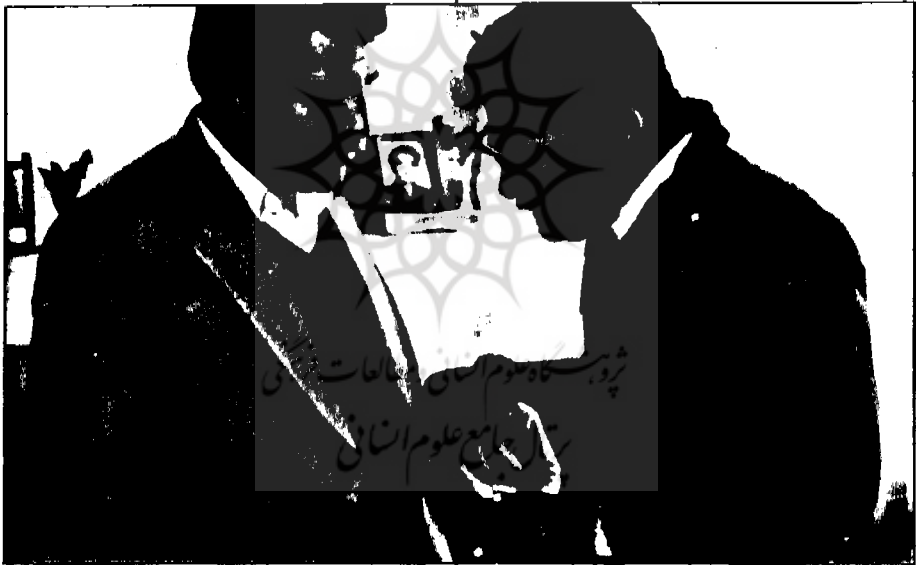
صادق پرسیدند به کودکان خود چه چیز یاد دهیم؟ حضرت فرمودند چیزهایی بیاموزید که (اذا صاروا کبارا احتاجوا لیها) وقتی بزرگ شدند بدان نیازمند می شوند.

به عنوان سؤال مطرح می کنیم که کودک وقتی بزرگ شد به چه چیزهایی محتاج است؟ به مسکن. پس باید هندسه و معماری بیاموزد. به دوا و درمان. پس باید پزشکی و بهداشت بیاموزد. به غذا. پس باید کشاورزی بیاموزد. و... و از اینجاست که وسعت نظر اسلام در تربیت مشخص می شود.

بر خلاف نظر عده ای که اسلام را دین آخرت می دانند ما قائلیم اسلام شامل مجموعه ای از

منتهی می شود (اهدنا الصراط المستقیم) حال اگر آدمی در مسیر هدف و در صراط مستقیم باشد و به آخرین نقطه نرسیده هم بمیرد باز مأجور است.

این هدف قریب الوصول و بعید الوصول را در امر تربیت هم می توان پیاده کرد. درست است که نمره نهائی ۲۰ است ولی بنا نیست که دانش - آموز نمره ۲۰ بگیرد تا جایزه دریافت کند. بلکه اگر در مسیر ۲۰ گرفتن باشد و هر روز گامی به پیش نهد باز هم جایزه دریافت خواهد کرد. مثلاً "اگر دانش آموزی در املاء نمره ۲ می گرفت و حالا نمره ۲/۵ گرفته باید جایزه دریافت



مسائل زندگی است که تبعیت و اطاعت از تعالیم آن به درد همین دنیا بیشتر می خورد تا آخرت.

نکته دیگر اینکه در تربیت امروز را در نظر گیریم یا فردا را؟

عده ای گویند تنها امروز را باید در نظر گرفت، برخی گویند فرد را برای عضویت در

کند. نکته سوم در باره برنامه تغییر است: منظور ما از برنامه یا محتوا مجموعه تعالیم و آموزشهایی است که باید به یک فرد دهیم تا امکان وصول او به هدف موجود باشد. اما اینکه این برنامه دارای چه دامنه ای باشد و چه چیزی به کودکان باید داد دیدگاهها مختلف است. از امام

می شود که باید آن را بداند .

مسئله دیگر در مورد روش است که تعریف آن این است : مجموعه تلاشها و وسائل و ابزاری که وصول ما را به هدفی ممکن و تسریع می کند .

روش تربیت در دو قسمت قابل عرضه است : روش آموزش و روش پرورش .

آموزشها گلاباً دو صورت انجام می پذیرند : به صورت القاء و به صورت تلقین .

القاء به مفهوم تذکر دادن ، منتقل کردن مفاهیم توسط فردی به دیگران است . و تلقین به صورت تذکر خود فرد به خودش .

القاء آت تربیتی می توانند به صورت سمعی ، بصری و یا ترکیبی از این دو باشند . تلقین هم می تواند به صورت تذکر به خود ، عبرت آموزی از پدیدهها و تغییرات و تحولات باشد (تاجری می گفت من از نحوه حرکت زمین درس تجارت آموختم . حرکت زمین هر وقت تند شود زلزله است و چون کند شود عوارض دیگری دارد . تجارت هم به همین گونه است . زیرا سرمایه گذاریهای بی حساب خطر می آفریند و کند کار کردن هم زیانهای دارد) .

آدمی می تواند از حرکت زمین ، سیارات از پدیدههای جوی ، از مرگ و میرها درس بیاموزد حتی برخی از روایات اسلامی می گوید ، از خروس سحرخیزی ، از سگ وفا از گاو نحوه نوشیدن آب را بیاموز !!

براین اساس در زمینه آموزش مسئله عبرت آموزی ، مطالعه ، سیر در آفاق و انفس به دو مسئله باید توجه شود : سازندگی ، بازسازی .

پرورش کودکی نوزاد بر اساس معیارها و ملاکهای مورد نظر نوعی سازندگی است ولی پرورش کودکی بد اخلاق ، آلوده و فاسد نوعی بازسازی ، بازسازی

جامعه فردا باید ساخت . در حالیکه اسلام تربیت را برای امروز و فردا تواءم می خواهد . آدمی از نظر اسلام دارای سه نقطه مهم در زندگی است :

۱- گذشته ، که ما خواسته و ناخواسته با آن در ارتباطیم . علماء ، شعرا ، پدیده های گذشته همه در زندگی ما اثر دارند .

۲- امروز که جزئی از زندگی ماست و نباید فراموش شود . این طرز فکر که به کودکان می گویند رنج امروز را بپذیر تا فردا آقا شوی صحیح نیست . زیرا این امکان وجود دارد که او فردا زنده نباشد و پایان تحصیلات همزمان پایان عمر او باشد .

۳- فردا یا آینده که ممکن است بسیار طولانی باشد و حتی آدمی عمر نوح کند . پس بهترین نوع تربیت آن تربیتی است که دیروز و امروز و فردا را تواءم در نظر گیرد و اسلام دارای چنین سیستمی است .

نکته دیگر در باره برنامه از لحاظ جنس است . من به صراحت اعلام می کنم که در تربیت اسلامی برای مردان یک نوع و برای زنان تربیت دیگری است . البته مسائل و کلیاتی وجود دارد که در آن زن و مرد با هم شرکت دارند . مثل خواندن ، فهمیدن ، استدلال و منطق ، حساب کردن و . . . ولی فراموش نکنیم که تربیت ، فطرت و طبیعت افراد ، وظائفی را که آنان به تناسب قوای طبیعی می بایست عهده دار شوند باید در نظر گیرد .

در اسلام زن و مرد هر کدام وظائف خاصی را بر عهده می گیرند و کار معینی را انجام می دهند . درباره زن مسئله باردار شدن مطرح است . طبعا " در دوره حمل مسائلی برای او مطرح